

پیشنهادی برای تصحیح ضبط دو واژه در شاهنامه (آوردگاهِ نر آهو، تُخششِ کارزار)

دکتر سجاد آیدنلو^۱

چکیده

پس از انتشارِ متن علمی - انتقادیِ دکتر خالقی مطلق و همکارانشان نباید دیگر به کار تصحیح کامل شاهنامه پرداخت و به دلایلی، روش درست علمی این است که ضبط‌های این چاپ با توجه به نسخه‌بدل‌های آن، چاپ عکسی دست‌نویس‌های شاهنامه، نقدها و نویافته‌های شاهنامه‌شناسان دیگر و نیز مآخذِ جنبیِ مربوط، باریک‌بینانه بررسی و نتیجه این ارزیابی‌ها منتشر شود تا پس از اعمالِ مواردِ پذیرفته بر این چاپ، تصحیح تقریباً نهاییِ حماسه ملی ایران فراهم آید. بنا بر همین شیوه، در مقاله حاضر دو ضبط در ابیات این متن بررسی و به جای صورت‌های «آوردگاهی پی آهو» و «بخششِ کارزار» به ترتیب «آوردگاهِ نرآهو: محلّ ستیزِ آهوان نر» و «تُخششِ کارزار: سخت‌کوشی در نبرد» پیشنهاد شده است. **کلیدواژه‌ها:** شاهنامه، تصحیح، آوردگاهِ نرآهو، تُخشش.

درآمد

شناسایی، گردآوری و بررسی دست‌نویس‌ها، انتخاب نسخه اساس و دیگر نسخ پایه کار، مقابله دست‌نویس‌ها و برگزیدن ضبط درست‌تر، ذکر نسخه‌بدل‌ها در زیرنویس صفحات، بهره‌گیری از تصحیح قیاسی و توجه به مآخذِ جانبی (غیر از نسخه‌های متن) برخی از مهم‌ترین اصول و ضوابط تصحیح علمی - انتقادی شاهنامه فردوسی است که مبانی نظری آن برای نخستین بار به شیوه علمی و روشمند در مقالات دکتر جلال خالقی مطلق طرح و بحث شده است.^۱ نتیجه عملی اجرای این روش نیز در شاهنامه مصحح ایشان و دو همکارشان دکتر محمود امیدسالار و دکتر ابوالفضل خطیبی دیده می‌شود.

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور ارومیه aydenloo@gmail.com

با انتشار تصحیح دکتر خالقی مطلق - به ویژه ویرایش نهایی ایشان که در دو دفتر چاپ خواهد شد - و کوشش‌های دیگری که پیش و پس از این چاپ درباره متن شاهنامه صورت گرفته است، نگارنده چنان که در جاهای دیگر هم تصریح کرده،^۲ کار تصحیح حماسه ملی ایران را پایان یافته می‌داند و با اعلام «تصحیح شاهنامه بس» معتقد است که باید متن و نسخه‌بدل‌های چاپ دکتر خالقی مطلق در کنار نسخه‌برگردان دست‌نویس‌های شاهنامه و منابع فرعی دیگر مبنای نقد و بررسی نکته‌سنجانه شاهنامه‌شناسان و متن‌پژوهان قرار بگیرد و آن‌ها با تأمل دقیق در واژه به واژه این تصحیح، نظریات و پیشنهادهاى خویش را در قالب مقاله/سلسله مقالات یا رساله‌هایی منتشر کنند تا پس از ارزیابی این نقد و پیشنهادها و تغییراتی که در متن دکتر خالقی مطلق صورت خواهد گرفت تصحیح تقریباً نهایی و نزدیک به اصل شاهنامه بر اساس این چاپ فراهم آید.

بدیهی است که دیدگاه نگارنده درباره پرهیز از تصحیح مجدد متن کامل شاهنامه و لزوم پرداختن به نقد ضبط‌های چاپ دکتر خالقی مطلق موافقان و مخالفانی دارد^۳ که بحث تفصیلی در باب آن نیازمند گفتاری دیگر است. در این مقاله بنا بر همان شیوه مذکور، ضبط دو واژه در تصحیح دکتر خالقی مطلق بررسی و با توجه به نگاهت‌سایر نسخ یا استفاده از روش تصحیح قیاسی صورت‌های دیگری به جای آن‌ها پیشنهاد شده است. به لحاظ روش‌شناسی و همان گونه که از نام مقاله پیداست، مباحث این گفتار فقط جنبه پیشنهادی دارد و رد و تأیید آن مشروط به اظهار نظر دکتر خالقی مطلق، همکاران ایشان و نیز سایر شاهنامه‌پژوهان و متن‌شناسان باریک‌بین است.

۱. آوردگاه نراهو

در نخستین رویارویی رستم با سهراب، هنگامی که تهمتن یال و شاخ پهلوان برنا را می‌بیند:

بدو گفت از ایدر به یک سو شویم به آوردگاهی پی آهو شویم

(فردوسی، ۱۳۸۶ الف: ۶۴۰/۱۶۹/۲)

در میان نسخه‌بدل‌های چاپ دکتر خالقی مطلق، ضبط دو دست‌نویس لندن (۸۹۱ ه.ق.) و انستیتوی خاورشناسی (۸۴۹ ه.ق.) «به آوردگه بر پی آهو» است و در سه نسخه فلورانس (۶۱۴ ه.ق.)، پاریس (۸۴۴ ه.ق.) و توپقاپوسرای (۹۰۳ ه.ق.) «به آوردگاهی بی آهو» آمده (رک: فردوسی،

۱۳۸۶ الف: ۱۶۹/۲/زیرنویس ۲۷). چنان که ملاحظه می‌شود، تصحیح مصراع دوم بر اساس دو صورت موجود در این دسته از نسخ و به شکل تلفیقی انجام گرفته است؛ یعنی وجه «به آوردگاهی» از سه نسخه فلورانس، پاریس و توپقاپوسرای و ضبط «پی آهو» از آن دو دست‌نویس دیگر انتخاب شده است. «پی آهو» در نسخه سعدلو (احتمالاً از سده هشتم) هم دیده می‌شود «به آوردگه بر پی آهو شویم» (فردوسی، ۱۳۷۹ الف: ۱۵۳).

دکتر خالقی مطلق در توضیح ضبط برگزیده خویش - به ویژه ترکیب پرسش برانگیز «پی آهو» - نوشته‌اند «... در بیت مورد گفتگوی ما همان پی آهو درست است و پی آهو شدن یعنی «دو تایی بودن، جدا از دیگران». رستم به سهراب گفت که از اینجا به سوی برویم و در آوردگاهی دو تایی دور از دیگران باشیم. گواه برای پی آهو: «و زیر بنات بر پای‌های خرس بزرگ ستارگان خُردند دوگان دوگان، ایشان را جستن آهوان خوانند زیرا که هر دوی را از آن به پی آهو تشبیه کردند» (بیرونی، التفهیم: ۱۰۰ بجلو؛ نقل از یادداشت‌های خالقی). شاید آنچه در برهان قاطع در معنی پی آهو آمده است نیز در اصل با همین معنی ارتباط دارد: «هر چیز که آن را آهوپی گویند و به معنی آهو پای هم آمده است که خانه شش‌پهلوی و گچ‌بری و مقرنس باشد» (خالقی مطلق، ۱۳۸۰: ۵۳۳).

همان گونه که نگارنده در جای دیگر نیز اشاره کرده، این توضیح پذیرفتنی نیست (رک: آیدنلو، ۱۳۸۲: ۶۷)؛ زیرا ترکیب «پی آهو» در متون و فرهنگ‌های فارسی در دو معنا به کار رفته است که با هیچ یک از آن‌ها نمی‌توان ضبط «به آوردگاهی پی آهو شویم» را در شاهنامه توجیه کرد. کاربرد نخست و پرتکرار این ترکیب همان معنای اصلی آن (پای آهو) است که شواهد متعددی دارد از جمله:

اکنون فکنده بینی از تُرک تا یمن یک چند گاه زیر پی آهوان سمن

(دقیقی، ۱۳۷۳: ۱۰۴)

تا جدا گشت شه ز لشکر خویش پی آهو ندید در بر خویش

(سنایی، ۱۳۷۴: ۵۶۹)

پی آهو از چشمه انگیخته چو بر نیفه‌ها نافه‌ها ریخته

(نظامی، ۱۳۸۷: ۹۲۸)

وجه دیگر «پی آهو» و «آهو پای» به معنای «بنای شش ضلعی» است که در فرهنگ جهانگیری و بهار عجم شاهدی از ناصر خسرو و ابوالفرج رونی برای آن داده شده (رک: انجو شیرازی، ۱۳۵۱: ۲۲۲/۱؛ بهار، ۱۳۸۰: ۸۷/۱) و در لغت‌نامه نیز باز آمده است (رک: دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل ماده «آهو پا» و «پا آهو» و نیز رک: انوری، ۱۳۸۲، ذیل ماده).

در گواهی که دکتر خالقی مطلق از التفهیم ابوریحان بیرونی نقل کرده‌اند، «پی آهو» در معنای اصلی خود و مشبّه به ستاره‌های زیر بنات‌النعمش است و در توضیح برهان قاطع هم به معنای خانه شش ضلعی است. از هیچ یک از این دو شاهد و توضیح، معنی «دوتایی و جدا» که ایشان نوشته‌اند استنباط نمی‌شود و ضبط «به آوردگاهی پی آهو شویم» معنای روشنی ندارد.

در متون و فرهنگ‌های فارسی در حدود جستجوهای نگارنده «پی آهو» فقط یک بار در کاربرد تقریباً مشابه شاهنامه دیده می‌شود که آن هم به احتمال فراوان تقلیدی از این ضبط در برخی نسخ شاهنامه و نادرست است. منظومه پهلوانی بلندی از عصر صفوی به دست ما رسیده که در قدیمی‌ترین دست‌نویس آن - که کتابت سال (۱۲۷۱ ه.ق.) است و با نام شاهنامه اسدی در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود - در مصراع دوم بیت زیر «پی آهو» نوشته شده است:

همان به ز دنبال آهو شوم مگر زان که ز آهو پی آهو شوم

(شاهنامه اسدی، برگ ۱۹۹ ب)

در اینجا «پی آهو شدن» که احتمالاً به تأثیر از ضبط بیت داستان رستم و سهراب استعمال یا نوشته شده است برای نگارنده معنای محصلی ندارد و از این روی در تصحیح منظومه به جای آن صورت «بی آهو» از نسخه دیگر این متن انتخاب شده است.

ضبط ترکیب و مصراع مورد بحث در نسخه‌های دیگر و به تبع، چاپ‌های شاهنامه - غیر از تصحیح دکتر خالقی مطلق - در دو جدول زیر آورده می‌شود.

الف) دست‌نویس‌ها

لندن (۶۷۵.ق.)	لنینگراد (۷۳۳)، قاهره (۷۹۶)، آکسفورد (۸۵۲)، لندن (۸۹۱)، برلین (۸۹۴)	لندن (۸۴۱)	قاهره (۷۴۱)	لیدن (۸۴۰)	واتیکان (۸۴۸)	حاشیه ظفرنامه (مورخ ۸۰۷.ق.) (مستوفی، ۱۳۷۷: ۲۴۴/۱)
*						به آوردگه هر دو همرو
	*					به آوردگه بری آهو
		*				به آوردگه بر چو آهو
			*			بر آوردگه بر به هامون
				*		از این هر دو لشکر به بیرون
					*	وز آوردگه سوی هامون

ب) چاپ‌های شاهنامه

ژول مول (فردوسی، :۱۳۷۳ ۱۹۱۳/۹۶/۲)	بروخیم (فردوسی، ب، ۱۳۸۶، ۱۹۱/۴۶۷/۲)	دیرسیاقی (فردوسی، :۱۳۸۶ ۱۰۵۶/۵۱۳/۱)	مسکو (فردوسی، :۱۳۷۴ ۶۷۶/۳۳۲/۲)	مینی (فردوسی، :۱۳۸۷ ۶۶۶/۶۷)	جیحونی (فردوسی، :۱۳۷۹ ۳۴۹/۱ ۶۵۳)	کرآزی (کرآزی، :۱۳۸۱ /۱۳۹ ۲۹۶۵)	قریب (فردوسی د، ۱۳۸۶، /۲۵۲/۱ ۶۶۲)
*							از این هر دو لشکر به بیرون شویم
	*						بر آوردگه بری آهو شویم
		*					از این هر دو لشکر به یک سو شویم
			*	*			به آوردگه هر دو همرو شویم
					*	*	به آوردگاهی بی آهو شویم

در ضبط‌های مذکور، شارحان «بی آهو» را در ترکیب «آوردگاهی بی آهو»، «بی عیب و نقص» معنی کرده‌اند اما گاهی گزارشی که از مصراع دوم بیت با این وجه به دست داده‌اند متفاوت است. دکتر رستگار فسایی - که در متن داستان رستم و سهراب بر اساس تصحیح دکتر خالقی مطلق «پی آهو» آورده‌اند- در توضیحات «بی آهو» به معنای «بی عیب» نوشته و مصراع را چنین معنا کرده‌اند: «رزمگاهی بجویم تا بر ما عیب نگیرند که به سراپرده‌ها و مردم بی دفاع حمله برده‌ایم» (رستگار فسایی، ۱۳۷۳: ۱۸۳). دکتر جوینی نوشته‌اند: «به میدانی برویم که صاف و بی‌عیب و هموار باشد» (فردوسی، ۱۳۸۰: ۴۴۲). به نظر دکتر کزازی، «آوردگاهی بی آهو» در معنای «آوردگاهی شایسته» است (رک: کزازی، ۱۳۸۱: ۶۳۱) و در شرحی دیگر «میدان وسیع و بی‌نقص» معنا شده (رک: نظری و مقیمی، ۱۳۸۴: ۸۸). سایر شرح‌های داستان رستم و سهراب یا در این باره توضیحی نیاورده‌اند و یا ضبط چاپ مورد استفاده خود را که «به آوردگه هر دو همرو شویم» است، معنی کرده‌اند.

در بین این ضبط‌ها و انتخاب‌ها، به نظر نگارنده صورت «به آوردگاهی پی آهو شویم» در تصحیح دکتر خالقی مطلق و «به آوردگه بر پی آهو شویم» در دو نسخه، معنای مشخص و توجیه‌پذیری ندارد و به رغم دشواری ظاهری، به دلیل نادرستی معنایی احتمالاً نمی‌تواند وجه اصلی باشد. «آوردگاهی بی آهو» نگاشته روشن‌تری است اما «بی آهو» به معنای «بی‌عیب» در ساختار مصراع مفهوم استواری ندارد و صفت چندان مناسبی نیز برای «آوردگاه» نیست. این نکته از اختلاف نظر گزارندگان داستان رستم و سهراب درباره معنای درست مصراع هم به خوبی پیداست که با این که جمله‌گی در معنای «بی آهو» هم‌سخن‌اند، در بافت مصراع و ترکیب «آوردگاهی بی آهو» هر یک آن را به گونه‌ای دیگر توضیح داده‌اند. سایر ضبط‌ها در دست‌نویس‌ها و چاپ‌های شاهنامه، تغییر و ساده‌گردانی مصراع فردوسی برای دریافت آسان‌تر آن است و به حیث متن‌شناسی اعتباری ندارد.

در دست‌نویس نویافته سن‌ژوزف بیروت (احتمالاً مربوط به اواخر قرن هفتم و اوایل سده هشتم)، ضبط مصراع دوم بیت و ترکیب مورد بحث، متفاوت با همه نسخ و چاپ‌های مهم شاهنامه و به عقیده نگارنده وجه درست و اصلی است:

بدو گفت از ایدر به یک سو شویم به آوردگاهِ نرآهو شویم

(فردوسی، ۱۳۸۹: ۱۳۴)

نخستین بار آقای جیحونی در مقایسه تصحیح خویش با نسخه سن ژوزف به ضبط «آوردگاه نر آهو» در آن توجه کرده و نوشته‌اند «با ضبط نسخه س. ژ [= سن ژوزف] مشخص می‌شود که «آوردگاه نر آهو» نام دشتی خاص است که رستم به نام از آن یاد کرده است نه با یاء نکره» (جیحونی، ۱۳۹۰: ۸۲).

به نظر نگارنده، «آوردگاه نر آهو» یعنی دشتی که در آن آهوان نر بر سر جفت‌گزینی شاخ در شاخ یکدیگر می‌اندازند و می‌ستیزند. «آورد نر آهوان» در برخی از نگاره‌ها و تذهیب‌های ایرانی هم دیده می‌شود (برای نمونه رک: خزایی، ۱۳۶۸: ۴۲۷) و موضوع کاملاً ملموسی است که بسیاری از ما در فیلم‌ها و تصاویر بارها دیده‌ایم. بر این اساس، رستم به سهراب می‌گوید بهتر است از برابر سپاه دور شویم و در دشتی که آوردگاه آهوان نر است (منظور محلی دور از لشکریان) با یکدیگر مقابل شویم.

«آوردگاه نر آهو» در قیاس با «آوردگاه بی آهو» ضبط نسبتاً دشوارتری است که به لحاظ رسم الخطی نیز امکان سهو کتابت یا بدخوانی «نر» در آن به «بی» محتمل است. از نظر معنا هم در ساخت مصراع و روند موضوعی داستان، مفهومی روشن و البته تا حدی دیریاب دارد و از ابهامات و سستی‌های معنایی صورت‌هایی چون «آوردگاهی بی آهو» و «آوردگاهی بی آهو» عاری است. افزون بر این‌ها قرینه دیگری در ادامه داستان رستم و سهراب این ضبط را تأیید می‌کند و آن در جایی است که سهراب پس از برخاستن از روی سینه تهمتن به دشتی می‌آید که در آن «آهو» می‌خرامد و او نخچیر می‌کند:

رها کرد از او دست و آمد به دشت

به دشتی که بر پیشش آهو گذشت

همی کرد نخچیر و یادش نبود

از آن کس که با او نبرد آزمود

(فردوسی، ۱۳۸۶ الف: ۲/۱۸۳/۸۲۵ و ۸۲۶)

این اشاره نشان می‌دهد که محل رویارویی دو پهلوان نزدیک جایگاه آهوان یا به تعبیر فردوسی «آوردگاه نر آهو» بوده است. جالب این که در مصراع دوم بیت نخست از ابیات مذکور در دست‌نویس سن ژوزف، به جای «آهو» ترکیب «نر آهو» به کار رفته که مؤید ضبط پیشین این نسخه است: «به دشتی که پیشش نر آهو گذشت» (فردوسی، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

۲. تَخَشُّشِ کارزار

در داستان رستم و اسفندیار، تهمتن پس از بازگشت از نبرد نخست با شاهزاده رویین تن می گوید:

بتابم همی سر ز اسفندیار از آن زور و آن بخشش کارزار

(فردوسی، ۱۳۸۶ الف: ۱۲۲۲/۳۹۵/۵)

جدول ضبط نسخه‌ها درباره ترکیب «بخشش کارزار» و مصراع دوم چنین است:

پاریس لندن، (۸۴۴) (۸۹۱)	توپقاوسرای (۷۳۱)	کراچی (۷۵۲)	سعدلو (ص ۵۶۷)	قاهره لندن، (۷۴۱) (۸۴۱)	سن ژوزف (ص ۵۳۹)	حاشیه ظفرنامه (ج ۲، ص ۹۵۱)
*						
	*					
		*				
			*			
				*	*	
						*

در سایر چاپ‌های شاهنامه هم غیر از دو چاپ بروخیم و دکتر دبیرسیاقتی که این بیت را ندارند، «بخشش کارزار» آمده است و شارحان آن را «بهره‌مندی از بخت در کارزار»، «استعداد و

مهارت در نبرد» و «کنایه از رویین تنی» معنی کرده‌اند (برای نمونه رک: اسلامی ندوشن، ۱۳۷۴: ۲۵۵؛ حمیدی، ۱۳۸۰: ۴۹۸؛ خالقی مطلق، ۲۰۰۶: ۳۰۶؛ شعار و انوری، ۱۳۷۸: ۲۰۷؛ کرآزی، ۱۳۸۴: ۷۶۴).

جز از ضبطِ «تُخشش» (بدون نقطهٔ حرف اول) در حاشیهٔ *ظفرنامه*، این واژه در قدیمی‌ترین نسخهٔ کامل *شاهنامه* یعنی بریتانیا/لندن (۶۷۵ ه.ق.) هم به همان صورت (بدون نقطهٔ حرف نخست) نوشته شده است که در عکس این دست‌نویس نیز کاملاً پیداست (رک: فردوسی، ۱۳۸۴: برگ ۱۶۶ الف)؛ اما مصححان چاپ مسکو، آقای جیحونی، آقای مهدی قریب و دکتر خالقی مطلق بنا بر سابقهٔ ذهنی از ضبط این بیت آن را «بخشش» خوانده‌اند. نگارنده پیشنهاد می‌کند که این کلمه «تُخشش» خوانده و ترکیب *شاهنامه* به «تُخششِ کارزار» تصحیح قیاسی شود.

«تُخشش» اسم مصدر از «تخشیدن» است که ریشه، معنا و صورت‌های کاربرد آن در زبان‌های هندوایرانی چنین است:

> فارسی میانه: -tuxš: کوشیدن > ایرانی باستان: -tuxša* مشتق از ریشهٔ -tauk: خم کردن، خم شدن، در هم فشرده شدن، رنج کشیدن، تلاش کردن؛ (-tuk-s- > -tuxš): اوستایی: -θwaxš: کوشیدن، تقلا کردن؛ فارسی باستان: -taxš: کوشیدن؛ سنسکریت: -tvaks: آفریدن، tváksas: زور، توان؛ فارسی میانهٔ ترفانی و پارتی: -tuxš: کوشیدن؛ سغدی: -ndwxš: به شدت تلاش کردن؛ آسی (ایرونی): -tuxyn: tyxt (دیگوری): -toxun: توختن، پیچیدن، بستن، محکم کردن؛ تاجیکی: -tuxs: اضطراب، تشویش، -tuxsidan: مضطرب بودن (رک: بویس، ۱۳۸۶: ۱۴۳؛ حسن دوست، ۱۳۸۳: ۳۳۰/۱؛ قریب، ۱۳۷۴: ۴۵؛ مکنزی، ۱۳۸۳: ۱۴۹؛ منصوری و حسن‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۲ و ۱۰۳؛ هرن و هویشمان، ۱۳۵۶: ۱/۴۷۳ و ۴۷۴؛ Bartholomae, 1961: p. 793 - Cheung, 2007: p. 400- 401؛ Nyberg, 1974: vol. 2, p. 196-197). چئونگ نوشته است که «تُخشیدن» با ریشهٔ هندوایرانی، منشأ هندواروپایی معینی ندارد و آن را از ریشهٔ تمنایی -tuek-s* به معنای «کوشش برای نیرومند شدن» انگاشته‌اند (رک: Cheung, 2007: 402).

بر این اساس «تُخشیدن» دارای دو معنای اصلی است: یکی «کوشیدن» که معنای معروف این واژه در زبان‌های هندوایرانی است و دیگر «رنج کشیدن، آزرده و دچار تشویش و اضطراب شدن».

«تُخَشَشِ» پیشنهادی در بیت شاهنامه اسم مصدر از معنای پرکاربرد این لغت و به معنای «کوشش» است.

tuxšidan و tuxš در متون فارسی میانه و مانوی به صورت‌های مختلفی به کار رفته است که در همه آن‌ها معنای «کوشیدن» دیده می‌شود (برای ملاحظه این موارد رک: ابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۲۳۳؛ بویس، ۱۳۸۶: ۱۳؛ دینکرد هفتم، ۱۳۸۹: ۱۱۶ و ۵۷۴؛ فره‌وشی، ۱۳۸۶: ۲۹۲، ۲۹۳، ۵۶۰ و ۵۶۱؛ مکنزی، ۱۳۸۳: ۹۲ و ۱۴۹؛ منصور، ۱۳۸۴: ۲۵؛ منصور و حسن‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۲؛ Nyberg, 1974: vol. 2, pp. 104, Miesternest, 2004: 311; Henning, 1977: 168 (197).

در شاهنامه از «تُخَشَشِ» غیر از بیت مورد بحث استعمال‌های دیگری هم در هر دو معنای مشهور و مهجور این واژه هست که این کاربردها و نیز تحریف و تصحیف آن‌ها در نسخه‌ها، قراین استواری برای محتمل‌تر شدن تصحیح قیاسی پیشنهادی است:

۱. بکوشد همی تا بُتُخشاندم به بیشی لشکر بترساندم

(فردوسی، ۱۳۸۶ الف: ۴/۲۰۲/۴۹۹)

«بتُخشاندم» فقط ضبط نسخه فلورانس (۶۱۴ ه.ق) است و در ده دست‌نویس از نسخه‌های مبنای کار دکتر خالقی مطلق به جای آن «بیچاندم» آمده است (رک: ۴/۲۰۲/۲۹ زیرنویس ۲۹) که مشابه تصحیف «تُخَشَشِ» به «بیچش» در بیت مورد بحث است. در سه نسخه دیگر هم وجه مصحّف «ببخشایدم» و «نبخشایدم» دیده می‌شود. «بتُخشاندم» در این بیت از گونه متعددی شده (سببی) «تُخَشَشِ» به معنای «دچار نگرانی و بیم کردن» است.

۲. چو کودک ز کوشش به نیرو شدی به هر تُخَشَشِ در بی آهو شدی

(همان: ۶/۲۱۴/۳۰۰)

در نسخه‌بدل‌های چاپ دکتر خالقی مطلق و همکارشان (دکتر امیدسالار) ضبط نه نسخه «بخششی» است و در سایر دست‌نویس‌ها «پیچش اندر» و «بخشش اندر» آمده. در دو نسخه «تُخَشَشِ» (بدون نقطه حرف اول) و در دو دست‌نویس «تُخَشَشِ» (بدون نقطه‌های سه حرف اول) نوشته شده است (رک: ۶/۲۱۴/۱۳ زیرنویس ۱۳). دو نسخه سعدلو و حاشیه ظفرنامه هم به ترتیب

«تُخششی» (دو حرف اول بی نقطه) و «تُخششی» (حرف نخست بی نقطه) دارند (رک: فردوسی، ۱۳۷۹: ۶۶۹؛ مستوفی، ۱۳۷۷: ۹۹۷/۱). متن دکتر خالقی مطلق و همکارشان به درستی تصحیح قیاسی است و تصحیفات آن به ویژه بی نقطه بودن یک یا دو حرف آغازین «تُخشش» در بعضی دست‌نویس‌ها مشابه بیت مورد بررسی داستان رستم و اسفندیار است.

۳. ز داد و ز رای و ز آهنگ اوی ز بس کوشش و تُخشش و جنگ اوی

(۶۰۳/۳۳۷/۶)

«تُخشش» ضبط نسخه لنینگراد (۷۳۳ ه.ق) است. سایر نسخ مورد استفاده تصحیح دکتر خالقی مطلق و دکتر امیدسالار (رک: ۳۳۷/۶ زیرنویس ۱۴) و دست‌نویس‌های سن ژوزف (رک: فردوسی، ۱۳۸۹: ۶۶۵) و حاشیه ظفرنامه (رک: مستوفی، ۱۳۷۷: ۱۰۵/۲) «بخشش» دارند که باز شاهدهی دیگر بر تصحیف یاد شده (تُخشش ← بخشش) به دست کاتبان و خوانندگان است.

۴. ز گفتارشان خواهر پهلوان همی بود پیچان و تیره روان

(۱۶۰۷/۶۰۰/۷)

چنان که نگارنده در مقاله‌ای دیگر به تفصیل نشان داده است، در اینجا نیز «پیچان» دگرگون شده «تُخشان» به معنی «مضطرب، نگران و آزرده» است.^۵ در زبان فارسی معروف‌ترین صورت به کار رفته از مصدر «تُخشیدن»، صفت فاعلی «تُخشا» به معنای «کوشا» است که ظاهراً از سده یازدهم به بعد در فرهنگ‌های فارسی وارد شده و در لغت‌نامه‌های پیش از این قرن نیست. در فرهنگ جهانگیری برای این لغت بیتی از ارداویراف‌نامه منظوم شاهد آورده شده است (رک: انجو شیرازی، ۱۳۵۱: ۷۴۲/۱). در این منظومه علاوه بر «تُخشا» صفت فاعلی «تُخشان» هم در همان معنی به کار رفته است:

همه در کار خود کوشا و تُخشان به هر پیشه یکی زان قوم هُتُخشان

(بهرام پژدو، ۱۳۴۳: ۱۰۳/۱۷۲۱)

حاصل سخن این که با توجه به کاربرد صورت‌های مختلف «تُخشیدن» در متون فارسی میانه، بودن فعل، اسم مصدر و صفت فاعلی از آن در شاهنامه، صفت فاعلی «تُخشا» و «تُخشان» در فرهنگ‌های فارسی و موارد تصحیف و تحریف شواهد استعمال آن در دست‌نویس‌های شاهنامه،

نگارنده پیشنهاد می‌کند که در بیت مورد بررسی، «بخشش کارزار» به استناد ضبط بی‌نقطه نسخه لندن/بریتانیا و حاشیه نظرنامه به «تُخشش کارزار» در معنای «سخت‌کوشی در نبرد» تصحیح قیاسی شود. «پیچش» و «بخشش» در دست‌نویس‌های شاهنامه ضبط‌های مصحف و ساده‌شده آن است که در نسخه‌بدل‌های دو شاهد دیگر «تخشش» باز دیده می‌شود و به احتمال بسیار نمی‌تواند صورت اصلی سروده فردوسی باشد.

بعد التحریر

پس از پایان نگارش این مقاله و هنگامی که مراحل داوری آن طی می‌شد مقاله ای با نام «دو جای نام ناشناخته در شاهنامه» از دکتر محمدجعفر یاحقی در مجله جستارهای ادبی (ویژه نامه متن‌شناسی)، شماره ۱۷۹، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱-۱۸. چاپ شد که موضوع بخش دوم (صص ۱۱-۱۴) آن بحث درباره «پی آهو» در بیت رستم و سهراب (مبحث نخستین مقاله کنونی) است. در مقاله یاد شده دکتر یاحقی با توجه به نگاشته بیت در نسخه سن ژوزف «نرآهو» را صورت درست و اسم خاص دانسته اند که احتمالاً نام میدانی در نزدیکی محل نبرد رستم و سهراب در حدود زابلستان و کابلستان بوده است.

به دلیل یکسانی موضوع مورد بحث در بخشی از مقاله دکتر یاحقی و نگارنده و نیز فضل تقدم و تقدم فضل ایشان در طرح آن، لازم بود که در مراحل پایانی چاپ این مقاله، توضیح پس از نگارش افزوده شود. همچنین خوانندگان گرامی توجه خواهند داشت که با وجود ترجیح ضبط «نرآهو» بر «پی آهو» تصحیح دکتر خالقی مطلق در هر دو مقاله، معانی پیشنهادی برای این ترکیب در این مقالات متفاوت است و اصطلاحاً «توارد» فقط در طرح موضوع بوده است.

یادداشت‌ها

۱. برای نمونه رک: خالقی مطلق، جلال. (۱۳۹۰). شاهنامه از دست‌نویس تا متن. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب. صص ۲۲۱-۳۷۱ و ۴۸۷-۵۱۴.

۲. رک: آیدنلو، سجّاد. (۱۳۹۰). دفتر خسروان (برگزیده شاهنامه فردوسی)، تهران: سخن. صص ۲۹۷ و ۲۹۸؛ همو. (۱۳۹۱). «تصحیح شاهنامه بس» (گفتگو). کتاب ماه ادبیات. سال ششم. شماره ۶۵ (پیاپی ۱۷۹). شهریور. ص ۱۳.
۳. برای دیدگاه یکی از متقدمان این موضوع رک: بهفر، مه‌ری. (۱۳۹۱). شاهنامه فردوسی (تصحیح انتقادی و شرح یکایک ابیات)، تهران: نشر نو. دفتر یکم. صص سی و یک-سی و چهار.
۴. نگارنده این منظومه را تصحیح کرده و با نام زرین قبا نامه از سوی انتشارات سخن منتشر شده است.
۵. رک: آیدنلو، سجّاد. «تخشان (تصحیح یک واژه تصحیف شده در شاهنامه)»، فرهنگ نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، شماره ۶ (آماده چاپ). باید افزود که در شاهنامه غیر از فعل، اسم مصدر و صفت فاعلی از «تخشیدن»، معنای «کوشایی» آن در ساخت کهن «أهتوخوشی» به معنای «صنعتگر» هم دیده می‌شود که از hutuxšig پهلوی است و tuxšig در آن از tuxšidan به معنای «سعی کردن» است. درباره این واژه رک: تفضلی، احمد. (۱۳۷۴). «چند واژه عالمانه از پهلوی در شاهنامه». نامه فرهنگستان. سال اول. شماره دوم. تابستان. ص ۱۱؛ معین، محمد. (۱۳۸۴). مزدیسنا و ادب پارسی. تهران: دانشگاه تهران. چاپ چهارم. ج ۲. ص ۱۳۷.

کتابنامه

- آیدنلو، سجّاد. (۱۳۸۲). «ملاحظات درباره یادداشت‌های شاهنامه». نامه ایران باستان. سال سوم. شماره دوم (پیاپی ۶). زمستان. صص ۳۹-۷۱.
- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۶). تاریخ زبان فارسی. تهران: سمت. چاپ هشتم.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۷۴). داستان داستان‌ها. تهران: آثار. چاپ پنجم.
- انجو شیرازی، میر جمال‌الدین حسین. (۱۳۵۱). فرهنگ جهانگیری. ویراسته دکتر رحیم عقیفی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- انوری، حسن. (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن. چاپ دوم.
- بویس، مری. (۱۳۸۶). فهرست واژگان ادبیات مانوی در متن‌های پارسی میانه و پارتی. ترجمه امید ملّاک بهبهانی - ابوالحسن تهامی. تهران: بندهش.
- بهار، لاله تیک چند. (۱۳۸۰). بهار عجم. تصحیح دکتر کاظم دزفولیان. تهران: طلایه.

جیحونی، مصطفی. (۱۳۹۰)، «مبارک فال (نسخه نویافته سن ژوزف)»، *جستارهای ادبی*. سال چهل و یکم، شماره سوم (پیاپی ۱۷۴). پاییز. صص ۶۵-۱۰۰.

حسن دوست، محمد. (۱۳۸۳). *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*. زیر نظر دکتر بهمن سرکاراتی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ج ۱.

حمیدی، بهمن. (۱۳۸۰). *شاهنامه خوانی (داستان رستم و اسفندیار)*. تهران: گستره.

خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۰). *یادداشت‌های شاهنامه*. نیویورک: بنیاد میراث ایران. بخش یکم.

_____ . (۲۰۰۶). *یادداشت‌های شاهنامه*. نیویورک: بنیاد میراث ایران. بخش دوم.

خزایی، محمد. (۱۳۷۸). *کیمیای نقش (مجموعه آثار طراح‌ی اساتید بزرگ نقاشی ایران و بررسی مکاتب نقاشی از مغول تا آخر صفوی)*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

دقیقی، ابومنصور. (۱۳۷۳). *دیوان*. به اهتمام دکتر محمدجواد شریعت. تهران: اساطیر. چاپ دوم.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*. تهران: دانشگاه تهران. چاپ دوم از دوره جدید.

دیکرد هفتم. (۱۳۸۹). به کوشش دکتر محمدتقی راشد محصل. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

رستگار فسایی. منصور. (۱۳۷۳). *حماسه رستم و سهراب*. تهران: جامی.

سنایی، ابوالمجد. (۱۳۷۴). *حدیقه الحقیقه*. تصحیح مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران. چاپ چهارم.

شاهنامه اسدی. دست‌نویس شماره ۱۶۰۹ کتابخانه ملی ایران.

شعار، جعفر؛ انوری، حسن. (۱۳۷۸). *رزم‌نامه رستم و اسفندیار*. تهران: قطره. چاپ بیستم (ویرایش دوم).

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۳). *شاهنامه*. تصحیح ژول مول. با مقدمه دکتر محمدامین ریاحی. تهران: سخن. چاپ چهارم.

_____ . (۱۳۷۴). *شاهنامه (بر اساس چاپ مسکو)*. به کوشش دکتر سعید حمیدیان. تهران: قطره.

_____ . (۱۳۷۹ الف). *شاهنامه همراه با خمسة نظامی*. با مقدمه دکتر فتح‌الله مجتبیایی. تهران: مرکز

دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

_____ . (۱۳۷۹ ب). *شاهنامه*. تصحیح مصطفی جیحونی. اصفهان: شاهنامه پژوهی.

_____ . (۱۳۸۰). *شاهنامه از دست‌نویس موزه فلورانس*. به کوشش دکتر عزیزالله جوینی. تهران:

دانشگاه تهران. ج ۳.

- _____ (۱۳۸۴). شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا به شماره Add,21,103 مشهور به شاهنامه لندن). نسخه برگردانان: ایرج افشار و محمود امیدسالار. تهران: طلایه.
- _____ (۱۳۸۶ الف). شاهنامه. تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق. دفتر ششم با همکاری دکتر محمود امیدسالار و دفتر هفتم با همکاری دکتر ابوالفضل خطیبی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- _____ (۱۳۸۶ ب). شاهنامه. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. مجتبی مینوی و سعید نفیسی. به اهتمام بهمن خلیفه. تهران: طلایه.
- _____ (۱۳۸۶ ج). شاهنامه. به کوشش دکتر سید محمد دبیرسیاقی. تهران: قطره.
- _____ (۱۳۸۶ د). شاهنامه. ویرایش مهدی قریب. تهران: دوستان.
- _____ (۱۳۸۷). داستان رستم و سهراب. مقدمه و تصحیح مجتبی مینوی. به کوشش ایرج بهرامی. تهران: زوآر.
- _____ (۱۳۸۹). شاهنامه (نسخه برگردان از روی نسخه کتابت اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری قمری. کتابخانه شرقی وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت. شماره NC.43). به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی. تهران: طلایه.
- فره وشی. بهرام. (۱۳۸۶). فرهنگ زبان پهلوی. تهران: دانشگاه تهران. چاپ پنجم.
- قریب. بدرالزمان. (۱۳۷۴). فرهنگ سغدی. تهران: فرهنگان.
- کزازی. میر جلال‌الدین. (۱۳۸۱). نامه باستان. تهران: سمت. ج ۲.
- _____ (۱۳۸۴). نامه باستان. تهران: سمت. ج ۶.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۷۷). ظفرنامه به انضمام شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه خطی مورخ ۸۰۷ هجری در کتابخانه بریتانیا Or.2833). تهران و وین: مرکز نشر دانشگاهی و آکادمی علوم اتریش.
- مکنزی، دیوید نیل. (۱۳۸۳). فرهنگ کوچک زبان پهلوی. ترجمه دکتر مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چاپ دوم.
- منصوری، یدالله. (۱۳۸۴). بررسی ریشه شناختی فعل‌های زبان پهلوی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- منصوری، یدالله؛ حسن‌زاده، جمیله. (۱۳۸۷). بررسی ریشه‌شناختی افعال زبان فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- نظامی، نظام‌الدین. (۱۳۸۷). خمسه نظامی (بر اساس چاپ مسکو-باکو). تهران: هرمس. چاپ دوم.
- نظری، جلیل؛ مقیمی، افضل. (۱۳۸۴). داستان‌های پر آب چشم. تهران: آسیم. چاپ دوم.

هرن، پاول؛ هوبشمان، هاینریش. (۱۳۵۶). *اساس اشتقاق فارسی*. ترجمه و تنظیم دکتر جلال خالقی مطلق. تهران: بنیاد فرهنگ ایران. ج ۱.

Bartholomae, Christian. (1961), *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin.

Cheung, Johnny. (2007). *Etymological Dictionary of the Iranian Verb*, Brill, Leiden, Boston.

Henning, W. B. (1977). ((Das Verbum des Mittelpersichen der Turfanfragmente)), *Acta Iranica* 14, E. J. Brill, Leiden, pp. 158- 395.

Meisterernst, Desmond Durkin. (2004), *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian*, Turnhout, Belgium, Brepols.

Nyberg, Henrik Samuel. (1974). *Manual of Pahlavi*, Otto Harrassowitz, Wiesbaden.